

تحلیلی بر مقاله جرم یقه‌صورتی: زنان و جرایمی که در محل کار مرتکب می‌شوند

نگارنده

مارگارت هاموند*

ترجمه و تحلیل

مریم کمایی** - دکتر سلامه ابوالحسنی***

چکیده مترجمین:

اصطلاح یقه‌صورتی در جریان موج دوم فمینیسم (۱۹۸۰-۱۹۶۰) توسط کپ هو (۱۹۷۷) معرفی گردید. او تجربیات خاص زنان در محل کار، از جمله تبعیض، دستمزد کم و اذیت و آزار جنسی را مورد بررسی قرار داده است. در همین دوره، مکتب جرم‌شناسی فمینیست‌ها شروع به مطالعه رفتار زنان به‌عنوان مجرم و قربانی و نحوه مجازات آنها به این عناوین کرد. جرم‌شناسان، زنان را به‌عنوان یک گروه متمایز مورد مطالعه قرار ندادند و تئوری جرم‌شناسی نیز توضیح نمی‌دهد که چرا زنان نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند. نظریه‌پردازان فمینیست، تخلفات زنان، مسئله قربانی شدن و وضعیت زنان در نظام عدالت کیفری را مورد مطالعه قرار دادند. این مقاله، تحلیلی است بر مقاله جرم یقه‌صورتی، زنان و جرایمی که در محل کار مرتکب می‌شوند اثر مارگارت هاموند و به مشکلات مربوط به تعریف جرم و جرم یقه‌سفید، ریشه «جرم یقه‌صورتی» به‌عنوان یک اصطلاح مرتبط با زنان و بحث

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۹
صفحه ۴۲۹-۴۴۲. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰. تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

* جولیا مارگارت هاموند، دانشگاه پورتموث، دانشکده محیط مصنوع و معماری، ساوت بنک لندن، لندن، انگلستان

** دانشجوی دوره دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس علوم و تحقیقات

Email: maryamkamaei2019@gmail.com

خوزستان، خوزستان، ایران، مترجم مسئول

*** استادیار و عضو هیئت‌علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رامهرمز،

Email: Salameh_abolhasani@gmail.com

خوزستان، ایران

در خصوص زنان، رنگ و اعتراض می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

جرایم زنان، جرم یقه‌سفیدی، نوع جرم، میزان جرم.

مقدمه

نویسنده مقاله به زنان به عنوان یک گروه متمایز از مجرمان یقه‌سفید پرداخته است. با اینکه نظریه‌های کمی در خصوص جرایم یقه‌سفید وجود دارد، نظریه‌های جرم‌شناختی قابل توجهی در یک قرن اخیر در مورد زنان و جرایم یقه‌سفید توسعه یافته است.

برخی از نظریه‌پردازان و از جمله پولاک در تبیین آمار جرایم ارتكابی از سوی زنان بر این اعتقادند که در آمارهای رسمی، میزان ارتكاب جرم زنان کمتر از آنچه واقعیت دارد، نشان داده می‌شود. این امر از عملکرد مقامات رسمی مانند افسران پلیس و قضات محاکم ناشی می‌شود. پولاک معتقد است زنان همان‌قدر مرتکب جرم می‌شوند که مردان؛ اما جرایم زنان اغلب گزارش نمی‌شود و در نتیجه جرایم آنان به دلیل دشواریابی نسبی‌شان پوشیده می‌ماند.^۱

دوج (۲۰۰۸) استدلال می‌کند که نقش زنان در جرم یقه‌سفید به عنوان یک موضوع مهم در قرن بیست و یکم ظهور کرده است، اما این مطالعه جنجالی و بحث‌برانگیز نادیده گرفته شده است. دوج (۲۰۰۸) در کتاب خود، موضوع زنان و جرایم یقه‌سفید را با در نظر گرفتن گزارش‌های نظری، تاریخی و بحرانی مظنونان و قربانیان بررسی می‌کند. از طریق بررسی مطالعات موردی متعدد در مورد زندگی شخصی، این کتاب بینش‌هایی را در خصوص ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان انجام می‌دهد که از خط انحراف نخبگان عبور می‌کنند یا تبدیل به قربانیان جرم و جنایت کارگری یا حرفه‌ای می‌شوند. مفهومی که در ادامه مقاله به تفصیل بررسی می‌شود.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که زنان غالباً طیفی از جرایم را بیشتر تجربه می‌کنند که از آن جمله می‌توان به آزارهای جنسی اشاره کرد.^۲ تجربه آزارهای جنسی و خشونت‌های خانگی بخشی از تجربه زندگی زنان است که مبین فروتری، سرکوب و نوعی کنترل اجتماعی

۱. گرت استفانی، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی (تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۲)، ۱۷۵.

2. T. Bilton et.al., *Webster Introductory Sociology* (Hong Kong: Macimilan Press LTD, 1981), 445.

است^۳ ولی دسته جدید جرایم یقه‌صورتی (جرایم یقه‌سفید که توسط زنان انجام می‌شود) ممکن است نتایج مختلفی را ارائه کنند.

۱- جرایم یقه‌سفید و آغاز آن

ساترلند (۱۹۳۹) اولین کسی بود که جرم یقه‌سفید را تعریف کرد. بحث‌های زیادی درخصوص صحت تعریف ساترلند از جرایم یقه‌سفید شکل گرفته است که در ادامه به آنها می‌پردازیم: افراد طبقات اجتماعی بالاتر بیشتر مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند و این رفتار با رفتار مجرمانه طبقات اجتماعی پایین‌تر، به لحاظ رویه‌های اداری موجود در برخورد با متخلفان متفاوت است؛ حال آنکه رویه‌های اداری از منظر علت جرم اهمیت چندانی ندارند.^۴ بدین ترتیب، جرم به واسطه مقام فرد متخلف تعریف می‌شود، به جای آنکه مانند یک قانون موضوعه بر اساس عمل مجرمانه تعریف گردد. برای مثال، یک قاتل مرتکب جنایت قتل می‌شود. این عمل، بر اساس قوانین نهاد دادستانی سلطنتی (CPS) در انگلستان و ولز به عنوان قتل غیرقانونی یک شخص با قصد کشتن تعریف شده است.^۵ بنابراین، تعریف ساترلند مشخص نمی‌کند کدام رفتارها در گروه اعمال مجرمانه قرار می‌گیرند و توضیحی درخصوص تجمیع جرایم تحت این تعریف ارائه نمی‌کند. هال (۱۹۴۱) با شیوایی تمام، هدف قوانین کیفری را شرح می‌دهد:

... حقوق جزا نمایانگر تلاش‌های جمعی برای از بین بردن اختلافات جدی است؛ آن‌هم نه به صورت دلخواه بلکه بر اساس روش‌ها و رهنمودهایی که آنها را عقلانی می‌نامیم.^۶ تعریف ساترلند زنان را مستثنا می‌کند. به لحاظ تاریخی، زنان به واسطه تبعیض نهادینه‌شده در قوانین و حقوق عرفی از ورود به طبقات اقتصادی بالاتر منع می‌شدند. تأثیر رهایی زنان از این ممنوعیت‌ها نیز بر جرایم محل کار مشخص نشده است. جالب است بدانید که زنان

۳. سهیلا صادقی و مهسا لاریجانی، «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران* ۷(۲) (۱۳۹۲)، ۸۸.

4. Julia Margaret Hammond, "Pink-Collar Crime: Women and Crime Committed at Work," *Review of Social Studies (RoSS)* 5(2) (2018): 40.

See: E.H. Sutherland, *White-Collar Criminality* (Philadelphia, USA: Presidential Address to the American Sociological Society, 27 December 1939), 9.

۵. CPS این مسئله را باتوجه به عرف و قانون اساسی در راهنمای آنلاین خود درمورد جرایم خشونت‌آمیز تشریح کرده است (بعدها مراجعه کنید).

6. J. Hall, "Prolegomena to a Science of Criminal Law," *University of Pennsylvania Law Review and American Law Register* (1941): 549-580.

آزادی خواه امروزی مانند مردان مرتکب جرایم یقه سفید می‌شوند. باین وجود، آیا فکر می‌کنید تعریف جرم یقه سفید به تغییر نیاز دارد؟

۲- ویژگی جرایم یقه سفید

در بررسی جرایم یقه سفید، وجه تمایز اصلی «مرتکبان» این جرایم است نه خود «جرایم»؛ یعنی موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی آنها را از سایر مجرمین متمایز می‌کند.^۷ بدون شک مخفی کاری یکی از ویژگی‌های مهم جرایم یقه سفید است؛ بدین معنا که مرتکبین، فعالیت‌های غیرقانونی خود را علنی نمی‌کنند بلکه سعی می‌کنند ظاهر قانونی و موجه به فعالیت‌های خود بدهند.

بزهکاران یقه سفید که در برابر بزهکاران یقه آبی و یقه چرکین^۸ قرار گرفته‌اند، از نظر سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی صاحب نفوذ و اقتدار زیادی هستند و به اعتبار وضع آراسته ظاهری که اغلب به شکل کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات است از گروه اخیر قابل تشخیص هستند.^۹

۳- اصطلاح یقه صورتی از کجا آمده است؟

چرا رنگ صورتی به عنوان یک رنگ زنانه شناخته می‌شود و بعضاً کارگران زن به عنوان کارگران یقه صورتی نامیده می‌شوند؟ چرا این رنگ برای توصیف زنان به کار می‌رود و چه کسی بانی آن شده است؟ استفاده از این رنگ درباره کار زنان چه معنایی دارد؟ اصطلاح یقه آبی به لباس فرم کارگران ساده اشاره دارد. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۲۴ در آمریکا استفاده شد.^{۱۰}

جالب است بدانید که رنگ موردنظر برای پسرها صورتی و برای دخترها آبی بود. ایالات متحده در دهه ۱۹۴۰ اختصاص این رنگ‌ها را به کودکان برعکس کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت که جنسیت دادن به رنگ‌ها جدیدتر از آن چیزی است که محققان فکر می‌کنند.

۷. صادق سلیمی، «مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۳۸ (۴) (۱۳۸۷)، ۲۴۴.

8. Blue-Collar Criminal

۹. سلیمی، پیشین، ۲۴۵.

10. F. Wickman. "Working Man's Blues: Why Do We Call Manual Laborers Blue Collar" In Slate.com (2012).

اصطلاح یقه‌صورتی توسط کپ هو برای توصیف کارگران زن آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت. او در نیویورک‌تایمز (۱۹۸۴) درباره کتابش می‌نویسد:

... کارگران یقه‌صورتی که نامزد دریافت جایزه کتاب سال شده بود، نشان می‌دهد که اکثر زنان آمریکایی، با وجود جنبش زنان، همانند اوایل قرن بیست و یکم به لحاظ شغلی در شرایط تبعیض باقی ماندند. زنان همچنان در مشاغل سنتی به‌عنوان پیشخدمت و منشی کار می‌کنند و معمولاً حقوق کمتری نسبت به مردان می‌گیرند.

بر اساس مکتب فمینیستی جرم‌شناسی، دلایل آشکاری وجود دارد که نشان می‌دهند چرا با زنان در جامعه رفتار خوبی صورت نگرفته است. دلیل این معضل، «پدرسالاری» است؛ یعنی فرمان‌برداری ساختاری و استثمار زنان توسط مردان. با این حال، زنان به‌طور کلی بهتر از مردان عمل کردند و نشان دادند که جنسیت قوی‌ترین عامل در پیشگیری از جرم است.

۴- تعریف جرمی که فرد در محل کار مرتکب می‌شود

به‌طور سنتی، جرایم یقه‌سفید در جرم‌شناسی به‌عنوان جرایمی شناخته می‌شوند که افراد بلندپایه در محل کار مرتکب آن می‌شوند.^{۱۱} افرادی که مرتکب این جرایم می‌شوند، مجرمان یقه‌سفید نامیده می‌شوند؛ اما آیا جرمی وجود دارد که به‌طور عینی توسط یک فرد معقول به‌عنوان جرم یقه‌سفید در نظر گرفته شود؟^{۱۲}

یکی از مهم‌ترین تصورات غلط راجع به جرم یقه‌سفیدی که این تحقیق آن را رد می‌کند، این مفهوم است که این جرایم خشن نبوده و توسط افرادی که ماهیتاً خشن نیستند، به انجام می‌رسند. این تصور غلط خطرناک به این دلالت می‌کند که جرایم یقه‌سفیدی مضر نبوده و در نتیجه با خشونت انجام نمی‌شوند. این استدلال غلط که مجرمین یقه‌سفید نمی‌توانند کارهای خشن مرتکب شوند، ممکن است به فرضیه‌ای منجر شود که این مجرمان را باید نسبت به مجرمان خیابانی عادی، کمتر خطرناک فرض کرده و با آنها مانند مجرمان خیابانی عادی رفتار شود.^{۱۳}

11. Sutherland, op.cit.

۱۲. پرونده بلایت و بیرمنگهام واترورکس (۱۸۵۶).

۱۳. سید محمود میرخلیلی و بهنام خدادوست، «تغییر از مجرمین یقه‌سفید به مجرمین یقه‌قرمز»، فصلنامه

جستارهای حقوقی ۳۱(۳) (۱۳۹۶)، ۱۳۶.

تعریف ساترلند به شکلی عجیب، به جای خودِ جرم، مبتنی بر جایگاه فرد متخلف است. قاتل، مرتکب قتل می‌شود - جرم معرف مجرم است. متجاوز، تجاوز می‌کند - عمل مجرمانه تجاوز، به مجرم لقب متجاوز می‌دهد. یک کلاهبردار به جرم فریب دیگران با هدف کسب سود محکوم می‌شود. بدیهی است که جرایم بر اساس قانون تعریف می‌شوند، اما آیا جرایم یقه‌سفید فقط شامل جرایمی هستند که به آنها اشاره کردیم یا اینکه ممکن است سایر رفتارهای غیرقانونی را نیز شامل شوند؟

ساترلند معتقد است که جرم یقه‌سفید شامل مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه و تخلفات اداری است که چند خصوصیت مشترک دارند - انجام یک کار ممنوعه، با قصد قبلی و آگاهی از مجازات احتمالی. بلوک و گیز (۱۹۷۰) با ایجاد واحدهای تحلیلی برای شناسایی جرایمی که باید به‌عنوان جرایم یقه‌سفید در نظر گرفته شوند، سعی کردند یک رویکرد علمی را ارائه کنند. نیومن (۱۹۵۸) معتقد است که تعریف جرم یقه‌سفید آنقدر گسترده است که تمام جرایم ارتكابی در محل کار را شامل می‌شود.

همه نظریه‌پردازان موافق نیستند که جرم یقه‌سفید با سایر جرایم متفاوت است. نظریه جرم‌شناسی عام، مجرمان (از جمله مجرمان یقه‌سفید) را به‌عنوان افرادی معرفی می‌کند که رفتار ضداجتماعی داشته و از هنجارهای جامعه تبعیت نمی‌کنند. دو علت^{۱۴} برای رفتار آنها ارائه می‌شود.^{۱۵} این نظریه پیش‌بینی می‌کند که مجرمان یقه‌سفید به‌لحاظ جنایی چندبعدی (باتجربه) هستند و به‌اندازه مجرمان خیابانی منحرف هستند. در این نظریه، انگیزه به‌عنوان عامل جرم مردود است و برچسب جرم یقه‌سفید برای متمایز ساختن این مجرمان از مجرمان خیابانی قابل قبول نیست:

... اینکه مجرمان یقه‌سفید با سایر مجرمان فرق دارند، یک فرضیه است ... آنها هم افرادی هستند که قادر به خودداری نیستند ... افراد تمایل دارند از انگیزه‌های آنی خود پیروی کنند، بدون آنکه به پیامدهای آن توجه کنند ...^{۱۶}

جرم‌شناسان، در بین محققان، تلاش بیشتری برای شناخت مجرمان یقه‌سفید انجام داده‌اند. این نویسنده پیشنهاد می‌کند که جرایم یقه‌سفید، به دو دسته مختلف تقسیم شوند:

جرم ارتكابی برای سود:

۱۴. فرصت و عدم‌خودداری

15. M. R. Gottfredson, T. Hirschi, *A General Theory of Crime* (USA: Stanford University Press, 1990).

16. Ibid, 190.

(الف) کارفرما که به‌دنبال کسب سود یا جلوگیری از زیان است؛ و
 (ب) شخصی، برای کسب سود شخصی یا جلوگیری از ضرر و زیان.
 نوع (الف) به‌عنوان «جرم شرکت» شناخته می‌شود. یکی از نمونه‌های این نوع جرم، کلاهبرداری از اوراق بهادار است. نوع (ب) به‌عنوان جرم حرفه‌ای مبتنی بر منافع شخصی تعریف می‌شود. از نمونه‌های این جرم می‌توان به مشاوران حقوقی، کلاهبرداری از وام یا سرقت از حساب مشتریان اشاره کرد. یکی از مشخصه‌های مشترک نوع (الف) و (ب) این است که این جرایم در زمان تصدی شغل و با هدف کسب سود انجام می‌گیرند. اگر سرکار نباشید، نمی‌توانید مرتکب این جرایم شوید. تفاوت اساسی این جرایم با جرایم خیابانی که ممکن است شامل تصرف مال و اموال دیگران باشد، مکان است.
 ایدل هرتز (۱۹۷۰) تعریف خود را اصلاح کرد تا نشان دهد که جرم یقه‌سفید شامل اقدامات ممنوعه غیرفیزیکی است و از این حیث، با جرایم خیابانی تفاوت دارد (برای مثال، قتل یا تجاوز). علاوه بر این، اظهار داشت که هدف (یا قصد) مجرم در جرایم یقه‌سفید صرفاً کسب سود یا جلوگیری از ضرر و زیان است؛ بنابراین، نیازی به اندازه‌گیری میزان سود یا زیان احتمالی نیست. او از توجه به موقعیت شخص اجتناب کرد و همچنین ارتباط جرم با کار و اشتغال فرد را بی‌مورد دانست.

۵- شکاف جنسیتی

وقتی پای جرم به میان می‌آید، زنان با مردان فرق دارند؛ چون در جامعه نیز با آنها به شکلی متفاوت برخورد می‌شود. تفاوت‌های جنسیتی و رابطه بین اقتصاد، نابرابری و جرم در طول زمان توسط جرم‌شناسان مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی، گفته می‌شود که زنان نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند. این تفاوت استغنی و آلن (۱۹۹۶) شکاف جنسیتی نامیده شده است. شکاف جنسیتی، موضوع بحث و گفتگوهایی است که درخصوص جرایم زنان انجام می‌گیرد. تحلیل واقعیت و به‌کارگیری جبرگرایی عینی که یک رویکرد قیاسی یا اثبات‌گراست و متدشناسی مبتنی بر جریان مردانه توسط اوکلی (۱۹۷۴) و سایر فمینیست‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است. این به‌عنوان استدلال پارادایم شناخته می‌شود. لوشپر (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که:

جرم در خلال گفتمان‌های اجتماعی و فرایندهای تعامل اجتماعی در نهادهای کنترلی ساخته و پرداخته می‌شود؛ بنابراین، فقط بررسی کیفی جرم است که معنا دارد (چکیده).

این دیدگاه متعصبانه در مطالعه زنان و جرایم مربوط به آنها وجود داشته است. دوبویس (۱۹۸۳) در این رابطه می‌نویسد:

... شخص به‌عنوان مرد شناخته می‌شود و جنس مؤنث یا زن، نه بر اساس آنچه هست که بر اساس آنچه نیست، تعریف شده است ... رویکرد مردسالارانه علوم اجتماعی نه‌تنها زنان را افرادی ناشناس می‌داند که آنها را عملاً غیرقابل شناخت معرفی می‌کند.^{۱۷}

بهترین روش برای بررسی جرایم زنان، متد کیفی است؛ از این طریق، می‌توانیم توضیح دهیم که چرا زنان مرتکب جرایم یقه‌سفید می‌شوند، نه آنکه چرا نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند. برای مثال، الیوت (۱۹۵۲) معتقد است که شکل‌گیری نقش جنسیتی زنان و عوامل اجتماعی - اقتصادی می‌تواند نرخ پایین جرایم را در زنان توضیح دهد.

آمار جنایی که از ارتکاب جرایم کمتر توسط زنان حمایت می‌کند، از کمترین اعتبار در بین تمام آمارها برخوردار است. گزارش جرایم در قالب آمار مستلزم برخورداری از سه معیار است که جرایم زنان فاقد آن می‌باشد: (۱) به جامعه ضرر برساند؛ (۲) ماهیت عمومی داشته باشد؛ (۳) شامل همکاری قربانی با قانون باشد. جرایم زنان خاص‌تر از جرایم مردان هستند. قربانیان مجرمان زن اغلب فرزند، شوهر، معشوقه یا از اعضای خانواده هستند. جنایت زنان دیرتر شروع می‌شود، دیرتر به اوج می‌رسد و بیشتر از مردان به طول می‌انجامد. استانداردهای دوگانه، تکنیک‌های فروش مدرن و سرخوردگی اجتماعی ناشی از موقعیت زنان در جامعه به بروز این جرایم کمک می‌کنند (چکیده).

۶- درباره جرایم یقه‌صورتی چه فکری می‌کنید؟

باتوجه به اینکه زنان معمولاً از نظر اقتصادی وابسته به مردان هستند و دارای اشتغال و درآمد خاصی نمی‌باشند، این عامل خود زمینه جرایمی از قبیل قتل همسر برای رسیدن به سرمایه و، جرایم مالی به ویژه سرقت‌های کوچک برای رهایی از گرسنگی خود و کودکان و ... را فراهم می‌سازد.^{۱۸}

17. B. DuBois, "Passionate Scholarship: Notes on Values, Knowing and Method in Feminist Social Sciences," In *Theories of Women's Studies* London, ed. Gloria Bowles & Renate Duelli Klein (London: Routledge and Kegan Paul, 1983), 107.

۱۸. محمدعلی مهدوی ثابت، محمد کیانی و زهرا سلیمان‌آبادی، «تأثیر عوامل اقتصادی بر وقوع جرم»، فصلنامه قضاوت ۸۶ (۱۳۹۵)، ۹۴.

نظریه‌های مختلفی برای توضیح ارتباط بین زنان و جرایم یقه‌سفید وجود دارد. آدلر (۱۹۷۵) نظریه رهاسازی را معرفی می‌کند که یک نظریه جنسیتی درخصوص جرایم زنان است. بر اساس این نظریه، اگر فرصت بیشتری به زنان داده شود، نرخ ارتکاب جرایم یقه‌سفید در بین آنها افزایش می‌یابد. آدلر پیش‌بینی کرد که تغییر نقش جنسیتی زنان منجر به بروز رفتارهای مردانه و کاهش شکاف جنسیتی خواهد شد. سیمون (۱۹۷۵) نیز پیش‌بینی کرد که دادن فرصت‌های شغلی بیشتر به زنان موجب افزایش جرایم یقه‌سفید خواهد شد. نظریه‌های مختلفی نیز درخصوص نحوه برخورد با زنان و موقعیت آنها در نظام عدالت کیفری وجود دارد. نظریه سلحشوری بیان می‌کند که با زنان نسبت به مردان رفتار بهتری صورت می‌گیرد، چون مردان به‌طور طبیعی می‌خواهند مراقب زنان باشند. درمقابل، نظریه انحراف دوگانه بیان می‌کند که زنان در صورت ارتکاب جرم، مجازات سخت‌تری را تحمل می‌کنند؛ یک مجازات به‌خاطر جرم و مجازات دیگر به‌خاطر خروج از استاندارد که برای زنان تعیین شده است. این نظریه‌ها بر اساس مشاهده رفتارهای مختلفی صورت گرفته است که مردان در قبال زنان دارند و تعجب‌آور است که نتایج مختلفی را منجر شده است. گاتسچالک (۲۰۱۲) در تحلیل آماری خود در نوژ در یافت که زنان تنها ۴ درصد از مجرمان یقه‌سفید را شامل می‌شوند. آیا این آمار در مورد انگلستان و ولز نیز صادق است؟

۷- آمار جنایی راجع به جرایم یقه‌صورتی در انگلستان و ایران

بحث راجع به آمار جنایی درخصوص ماهیت جرم میزان بزه‌های ارتكابی و بزه‌کاران سن جنس سوابق کیفری و عوامل مؤثر در ارتکاب جرم و دیگر مسائل اطلاعات مؤثری به‌دست می‌دهد. آنچه اینجا مدّظر است آمار جنایی راجع به جرایم یقه‌صورتی است.

۷-۱- اطلاعات جدید درخصوص جرم - انگلستان و ولز

دولت که مسئول تصویب قوانین ضدتبعیض است، موظف است که اطلاعات مربوط به نظام عدالت کیفری و قربانیان و مجرمان درگیر پرونده‌ها را منتشر کند. ماده ۹۵ قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ می‌گوید:

وزیر کشور موظف است هر ساله بنا به مصلحت، اطلاعات نظام عدالت کیفری را منتشر کند تا هم به کارمندان نظام عدالت کیفری کمک شود و هم از بروز تبعیض علیه افراد به‌خاطر نژاد، جنسیت و سایر عوامل جلوگیری شود ...

این اطلاعات از سال ۱۹۹۲ منتشر می‌شوند و جدیدترین آمار در سال ۲۰۱۵ ارائه شده است (آمار زنان و نظام عدالت کیفری [گزارش ۲۰۱۵]). بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵، شمار پیگرد قانونی زنان در دهه گذشته ۶ درصد افزایش یافته است. در همین دوره، شمار پیگرد قانونی مردان به میزان یک‌سوم کاهش یافت. ده سال قبل از گزارش ۲۰۱۵، پیش‌بینی شد که شمار پرونده‌ها کاهش یابد. همچنین مشخص شد که زنان بیشتر از مردان به جرم کلاهبرداری و سرقت تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند و معمولاً شاکی خصوصی دارند. مهم‌ترین جرم زنان در این دوره سرقت بوده است.

در گزارش سال ۲۰۱۵ آمده است که مجرمان زن بیشتر از مردان از زندان رفتن جلوگیری می‌کنند؛ آنها معمولاً با اشاره به وضعیت روانی نامناسب یا مسئولیت‌های خانوادگی خود، تقاضای تخفیف می‌کنند.^{۱۹} جرایم زنان عمدتاً جدی نیستند و در محاکم صلح مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

نسبت تخمینی هر جنسیت بر اساس برآورد جمعیت از سرشماری ۲۰۱۱ و تجزیه جنسیتی نقاط مختلف از روند عدالت کیفری در سال ۲۰۱۳ در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱- بررسی زنان و نظام عدالت کیفری: نسبت افراد در CJS بر اساس جنسیت در مقایسه با جمعیت عمومی (آمار مربوط به زنان و نظام عدالت کیفری ۲۰۱۳، گزارش ۲۰۱۳)

مردان	زنان	
۴۹٪	۵۱٪	جمعیت کلی ده‌ساله و بالاتر (اواسط ۲۰۱۳)
۸۵٪	۱۵٪	بازداشت‌ها (۲۰۱۳-۲۰۱۲)
۹۵٪	۵٪	شمار زندانیان (۳۰ ژوئن ۲۰۱۴)

شکاف جنسیتی در این جدول مشهود است؛ اما چطور می‌توانیم کشف کنیم که زنان نسبت به مردان کمتر مرتکب جرایم یقه‌سفید می‌شوند؟ آیا جرایم یقه‌سفید از شکاف جنسیتی پیروی می‌کنند؟ گزارش‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ هیچ اشاره‌ای به جرایم یقه‌سفید نکردند. از این رو و تجزیه و تحلیل دقیق این سؤال غیرممکن است. پس چه باید کرد؟ پولاک (۱۹۵۰) می‌نویسد:

مسئله جرایم زنان در حوزه تحقیق نادیده گرفته شده است ... فقدان توجه علمی به مشکلات مربوط به مجرمان زن احتمالاً به این دلیل است که زنان نسبت به مردان کمتر با

نهادهای قانونی در ارتباط هستند ... جرایم زنان مستلزم تحقیقات بیشتر است، حتی اگر شمار مجرمان زن به لحاظ آماری چندان قابل توجه نباشد.^{۲۰}

جدول ۲- جرایم زنان در ایران (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰)^{۲۱}

سال	تعداد کل محکومان زندان‌ها	تعداد زنان زندانی	نسبت زندانیان زن به کل زندانیان
۱۳۷۰	۲۵۵۵۳۵	۱۲۶۴۳	۴/۹۵
۱۳۷۱	۲۸۲۹۷۴	۱۳۰۰۱	۴/۹۵
۱۳۷۲	۳۳۷۶۱۰	۱۵۰۳۳	۴/۵۰
۱۳۷۳	۳۵۰۰۰۵	۱۴۲۸۴	۴/۱۰
۱۳۷۴	۳۶۵۳۷۸	۱۴۸۹۳	۴/۱۰
۱۳۷۵	۴۲۷۵۶۴	۱۹۰۴۱	۴/۴۵
۱۳۷۶	۴۵۴۲۵۹	۲۱۲۸۸	۴/۷۰
۱۳۷۷	۴۷۵۵۵۹	۲۲۴۵۵	۴/۷۲
۱۳۷۸	۵۴۹۹۹۶	۲۳۷۴۰	۴/۳۲
۱۳۷۹	۵۹۶۹۴۹	۲۳۲۷۸	۳/۹۰
۱۳۸۰	۶۶۱۱۳۰	۲۹۶۴۶	۴/۴۸

از این جدول می‌توان نتیجه گرفت که هرچند طی این دهه، میزان جرایم زنان افزایش داشته است، اما ستون چهارم جدول که نسبت زنان زندانی را به کل زندانیان نشان می‌دهد، در ابتدا افزایش یافته و سپس در سال ۱۳۸۰ به نسبت سال ۱۳۷۰ بازگشته است، دلیل این موضوع افزایش تعداد زندانیان مرد در همین فاصله است. در مجموع مقایسه ترکیب جرم زنان و مردان نشان می‌دهد که در حالی که در تمام سال‌های موردبررسی بیشترین جرایم در بین زنان جرایم اخلاقی و جرایم مواد مخدر بوده و نسبت کمی به جرایم خشونت‌آمیز و اقتصادی اختصاص داشته است، در بین مردان این الگو به صورت دیگری است؛ بدین معنا که بیشترین جرایم از نوع جرایم اقتصادی، مواد مخدر و سپس جرایم خشونت‌آمیز است و جرایم جنسی و اخلاقی در مرتبه آخر می‌باشد.

20. Hammond, op.cit. 73.

۲۱. حمید جربانی، «بررسی آماری جرایم زنان ایران»، مجله حقوقی دادگستری ۷۲ (۱۳۸۹)، ۱۰۴.

نتیجه

از آنجا که اهمیت جرایم یقه‌سفید به خصوص جرایم یقه‌صورتی و دامنه وسیع تأثیرگذاری وسیع آنها بر ابعاد زیربنایی یک جامعه غیرقابل اغماض است، اهتمام جدی و برنامه‌ریزی دقیق در نظارت بر رفتار مرتکبین این‌گونه جرایم و کیفر آنها ضروری است. بدیهی است اتخاذ راهکارهای اصولی و نظام‌مند به منظور ایجاد مانع در مسیر سوءاستفاده احتمالی برخی افراد از اعتبار و اقتدار خود باید مورد توجه مدیران نظام عدالت کیفری قرار گیرد. مسئله جرایم زنان در حوزه تحقیق نادیده گرفته شده است ... فقدان توجه علمی به مشکلات مربوط به مجرمان زن احتمالاً به این دلیل است که زنان نسبت به مردان کمتر با نهادهای قانونی در ارتباط هستند ... جرایم زنان مستلزم تحقیقات بیشتر است، حتی اگر شمار مجرمان زن به لحاظ آماری چندان قابل توجه نباشد؛ بنابراین وضع قوانین متناسب و شفاف و آموزش نیروی کار متخصص اعم از قضایی، پلیسی و اداری کارآمد و آموزش عمومی برای مبارزه با مجرمین یقه‌صورتی و همچنین تقویت نظام پلیسی و قضایی از لحاظ سلامت و کفایت، برای مقابله با مجرمین یقه‌صورتی اهمیت اساسی دارد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- استفانی، گرت. *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتابون بقایی. تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۲.
- جربانی، حمید. «بررسی آماری جرایم زنان ایران». *مجله حقوقی دادگستری* ۷۲ (۱۳۸۹): ۱۰۵-۱۰۴.
- سلیمی، صادق. «مجرمین یقه‌سفید و سیاست کیفری ایران». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۳۸ (۴) (۱۳۸۷): ۲۵۴-۲۳۹.
- صادقی، سهیلا و مهسا لاریجانی. «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی». *مجله مطالعات اجتماعی ایران* ۷ (۲) (۱۳۹۲): ۸۸.
- مهدوی ثابت، محمدعلی، محمد کیانی و زهرا سلیمان‌آبادی. «تأثیر عوامل اقتصادی بر وقوع جرم»، *فصلنامه قضاوت* ۸۶ (۱۳۹۵): ۹۴.
- میرخلیلی، سید محمود و بهنام خدادوست. «تغییر از مجرمین یقه‌سفید به مجرمین یقه‌قرمز». *فصلنامه جستارهای حقوقی* ۱۱ (۳) (۱۳۹۶): ۱۳۶.

ب) منابع خارجی

- Adler, F. *Sisters in Crime: The Rise of the New Female Criminal*. USA: McGraw - Hill, 1975.
- Bilton, T., K. Bonnet, P. Jones, M. Stanworth, K. Sheard and A. Webster *Introductory Sociology*. Hong Kong: Macimilan Press LTD, 1981.
- Bloch, H.A. and Geis, G. Man. *Crime, and Society*. London: Random House, 1970.
- Dodge M. *Women and White Collar Crime, Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. 1st Edition. New York, NY: Prentice Hall, October 17, 2008.
- DuBois, B. "Passionate Scholarship: Notes on Values, Knowing and Method in Feminist Social Sciences." In *Theories of Women's Studies London*, edited by Gloria Bowles & Renate Duelli Klein, 105-117. London: Routledge and Kegan Paul, 1983.
- Edelhertz, H. *The Nature, Impact and Prosecution of White-Collar Crime*. Washington, DC: National Institute of Law Enforcement and Criminal Justice, 1970.
- Elliott, M.A. *Crime in Modern Society*. London: Harp, 1952.
- Gottfredson, M. R., Hirschi, T. A *General Theory of Crime*. USA: Stanford University Press, 1990.
- Gottschalk, P. "Gender and White-Collar Crime: Only Four Percent Female Criminals." *Journal of Money Laundering Control* 15(3) (2012): 362-373.
- Hall, J. "Prolegomena to a Science of Criminal Law." *University of Pennsylvania Law Review and American Law Register* 89(5) (1941): 549-580.
- Hammond, Julia Margaret. "Pink-Collar Crime: Women and Crime Committed at Work." *Review of Social Studies (RoSS)* 5(2) (2018): 39-59.
- Hart, H.L.A. *The Concept of Law*. Oxford: Oxford University Press, 1997.
- Kapp Howe, L. *Pink Collar Workers: Inside the World of Women's Work*. First Edition. New York, USA: Putnam, January 1, 1977.

Löschper, G. Crime and Social Control as Fields of Qualitative Research in the Social Sciences. *Forum Qualitative Sozialforschung/ Forum: Qualitative Social Research*, [S.l.], v. 1, n. 1, 2000. <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/1119/2483>. [Accessed 15 September 2018].

Newman, D.J. "White-Collar Crime." *Law and Contemporary Problems* 23(4). (1958): 735-753.

Oakley, A. *The Sociology of Housework*. New York: Pantheon Books, 1974.

Simon, R.J. *Women and Crime*. Lexington, MA: Lexington Books, 1975.

Stanko, E. *Intimate Intrusions: Women's Experience of Male Violence*. Boston: Routledge & Kegan Paul, 1985.

Steffensmeier, D. and Allan, E. "Gender and Crime: Toward a Gendered Theory of Female Offending." *Annual Review of Sociology* 22(1) (1960): 459-487.

Sutherland, E.H., *White-Collar Criminality*. Philadelphia, USA: Presidential Address to the American Sociological Society, 27 December 1939.

Wickman, F. "Working Man's Blues: Why Do We Call Manual Laborers Blue Collar" In *Slate.com*, 2012.